



ترجمه و تدوین:

دکتر سید احمد موثقی

حکم و فرمان یا نفرین و لعنت؟ پارادوکس کار در سنت یهودی - مسیحی

متن فصول اولیه کتاب مقدس عبری، که مسیحیان آنرا عهد عتیق می نامند، خصیصه تناقض آمیز یا حتی دو جنبه‌ای این طرز طلقی نسبت به کار را در سنت یهودی مسیحی بیان می کند. خدا خود اینطور توصیف شده که خلقت را به عنوان یک «کار» انجام داده و «آدم را کشت و زرع در باغ عدن، و مراقبت از آن قرار داده است»، در عین حال، پس از هبوط، قسمت آدم و حوا این می شود که «غذایشان را با کار و تلاش از زمین بدست آورند.» و این کار را «از طریق عرق جبین شان» انجام دهند. بنابراین میلتون^(۱) آدم را در حالت بی‌گناهی^(۲) نشان می دهد که حوا را اینگونه پند و اندرز می دهد:

مخلوقات دیگر در تمام طول روز بیکار و به بطالت می گردند، و کمتر نیاز به استراحت دارند. بشر کار روزانه بدنی یا فکری اش را مقرر و معین شده دارد. که جایگاه والا و کرامت او رانشان می دهد و

نیز توجه خدا را به همه امورش در حالیکه حیوانات دیگر از نوع غیرفعال و منفعل هستند و خداوند به اعمال آنان توجه و اعتنایی ندارد. اما پس از هبوط پسر خدا به آدم اعلام می کند که:

به این خاطر زمین لعنت و نفرینی برای تو است، و تو با تأسف و اندوه در تمام ایام زندگی ات از آن خواهی خورد، همچنین خارها و بوته‌های آن پیشنهاد نشده برای تو به وجود می آیند، و تو از گیاهان زمین و کشتزارها خواهی خورد، تو با عرق صورت نان خواهی خورد. به این ترتیب کار یک حکم و فرمان، و در واقع تقلید و تبعیتی از عین فعالیت خداوند است، و در عین حال کار یک نفرین و لعنت، تنبیهی از جانب همان خدا می باشد.

جنبه دیگر این پارادوکس غفلت نسبی از موضوع در بسیاری از تقریرات کلاسیک تفکر یهودی و مسیحی است

که در لغت نامه الهیات کاتولیکی سی جلدی بزرگ، که جلد مربوط به فهرستهای آن به نظر کمی اندوهناک می رسد نمایان است:

فقدان چنین چیزی در لغت نامه الهیات کاتولیکی (D.T.C.) نشانه نقصان در الهیات است که بارها به آن اشاره شده است و دیگر تکرار آن موضوعیت ندارد. زیرا اصل پایدار محتوی یک فراخوان بوده و با چندین مشارکت سودمند همراه بوده است. در مورد تحقیق یک «الهیات کار» واقعی این اثر بسیار چشمگیر است. فقدان سازوکارهای تمام عیار و عمیق در این سنت، نزدیک شدن به موضوع از تعدادی چشم اندازهای سستی به ظاهر جدا از هم تا آنجا که به معنی و مفهوم کار مربوط می شود را مطلوب می سازد، حتی برای پروژه‌ای بسیار کم جاه طلبانه تراز «وظیفه قابل توجه» یک «الهیات کار» تام و تمام. من

جهت تاکید بر مسئله، هریک از این پنج چشم اندازها را با سرلوحه و نوشته‌ای از سنت طبقه بندی و نام گذاری کرده‌ام.

Hashabbath legaddesho

شأن و منزلت مداوم کار (همچنین پس از هبوط) به عنوان یک حکم و فرمان به آدم و حوا در باغ عدن هر چه بوده باشد، مفسرین کتاب مقدس عبری غالباً بواسطه یک موقعیت غریب سرگشته و حیران بوده‌اند: هیچ گونه حکم و فرمانی درباره کار در احکام دهگانه موسی وجود ندارد، ولی حکم و فرمان سوم (یا چهارم، بسته به سیستم شمارش) لزوم استراحت از کار را روشن نموده و به تفصیل شرح می‌دهد.

به خاطر داشته باش که روز سبت^(۳) را مقدس و گرامی داری. تو شش روز در هفته برای کار کردن داری و همه کارهایت را انجام می‌دهی. اما روز هفتم یک سبت خداوند، روز خدای توست، در آن روز تو هیچ کاری انجام نخواهی داد، تو، پسر و دخترت، برده یا دختر برده است، گله‌ات یا بیگانه در درون دروازه‌هایت، زیرا خداوند آسمان و زمین، دریا و همه آنچه سبت را مبارک خوانده و آنرا مقدس و گرامی اعلام نمود.

با چنین فرمانی است که فرهنگ ما رسم هفته هفت روزه را دارد، که (برخلاف روز، ماه، و سال) پایه و اساس در رابطه میان زمین با خورشید و ماه ندارد. از کار برد آن در درون خود تورات^(۴) برای اشکالی از «کار» نظیر تهیه و آماده سازی غذا و روشن کردن چراغهای خانه، ممنوعیت هر گونه کاری در روز سبت در تاریخ بعدی یهودی به اقدام نظامی حتی در دفاع از خود بسط یافته بود. به طوری که در طول مقاومت در برابر Antiochus Epiphanes در حدود سال ۱۶۷ B.C.E. کسانی که که

نسبت به رسم مؤکد قانون موسی وفادار بودند. مایل بودند به جای بی حرمت ساختن آن «در روز سب مورد حمله قرار گرفته و قتل عام شوند، بنابراین گزارشات عهد جدید (که با وجود این تعمیم دادن از روی آن خطرناک است)، این فرمان در مورد کار شفا دادن بیمار در روز سب هم به کار رفته بود. قانون سب، آنطور که در Tractate Shabbath از Mishnab تدوین شده، تقدیس روز هفتم را بسیار نزدیک به رأس رشته وظایف مذهبی و اخلاقی قرار می‌دهد. اما Mishnab این نکته را نیز روشن می‌سازد که یک هدف راروشن می‌سازد که یک هدف مقدس نگهداشتن استراحت روز سبت این بود که بدین وسیله کار در شش روز دیگر هفته را مقدس و گرامی دارد. این سبت بود که کار را از جان کنی جدا کرد، زیرا هم استراحت کردن در طول سبت و هم کار کردن در طول هفته، هر دو برقراری مجدد «کار کردن» و «استراحت کردن» الهی در آفرینش عالم توسط بشر بودند. اگر چه تأکید بر منزله و متعالی بودن الوهیت در یهودیت علت توجه بیشتر به استفاده از عقایدی همچون «تقلید و تبعیت از خدا» بود تا ویژگی شرک یونانی - رومی یا مسیحیت، همانطور که آور باخ^(۵) در مقاله مشهورش در مقابله با حکایت‌های «اشر زخم آدیسه»^(۶) و «گرفتاری اسحق»^(۷) یا نشان داد، هم کتاب مقدس عبری و هم مفسرین خاخام ملک آن، هر دو کاملاً تمایل داشتند که کار بشر و استراحت بشر را به عنوان تقلید و تبعیتی از اعمال خدا، bereshith، خالق، توصیف کنند. «تقلید و تبعیت» برای توصیف رابطه میان خدا و بشر به قدر کافی قوی نیست: به نظر می‌رسد که «مشارکت»، به خاطر همه مضامین غریب و افلاطونی و

لغت بیان metoche هم‌ریشه های آن، برای نظر کتاب مقدس تقریباً مناسب‌تر می‌باشد، روی هم رفته، کتاب مقدس هفتادگانی مایل به استفاده از لغت بود، و جوزف^(۸) می‌توانست از «مشارکت metoche حتی کردن در طبیعت الهی» سخن بگوید. و همانطور که موریسون^(۹) اخیراً اظهار نموده‌است، یک اصل اعتقادی یهودیت هلنیستی این بود که «بشر با تقلید و تبعیت از فعل و عمل خلاق الهی در آن مشارکت نمود».

بدین ترتیب، امر به حکومت کردن (radah) بر دیگر مخلوقات زمین در نخستین داستان خلقت تکوین^(۱۰)، همان فعل عبری p. II را به کار می‌گیرد که امروز در زبور^(۱۱) هنگامیکه خداوند از صحیون به توعصای سلطنتی، نماد قدرت تو را، می‌دهد، در میلن دشمنان سلطنت و حکمرانی کن [radah]. در هر دوی این اشکال اعمال اقتدار بشر در «حکومت کردن»، عمل عالی و مقتدرانه خدا جهت استقرار ساختار اقتدار بر بنیادی الهی، مقدم بوده است: همانطور که شاه بشری خلقت هم برای اعمال اقتدار بر ماهیان و حیوانات از طریق مشارکت در قدرت تفویض شده خالق می‌باشد. از طریق کار است که این اقتدار اعمال می‌گردد، بنابراین، امر به کشت و زرع کردن (abad) در باغ عدن در دومین داستان خلقت تکوین، همان فعل عبری را به کار می‌برد. که در حکم و فرمان نمایان می‌شود «تو شش روز، در هفته برای کار کردن [abad] داری و همه کارهایت را انجام می‌دهی: همچنین پس از هبوط به گناه و اخراج از باغ عدن کار برای انجام دادن وجود دارد، ولی اکنون کلمه مشتق برای کسی که کار را انجام می‌دهد برخی مضامین مربوط به بنده (ebed)^(۱۲) را کسب کرده‌است که در فرمولهایی نظیر فرمول زیر بکار می‌رود:

لعنت و نفرین بر کنعان

سده بندگان [ebed ebadim]

او یا برادرانش خواهد بود.

«فرمان و حکم» به کار کردن اکنون یک (لعنت و نفرین) هم شده است. با این وجود، فرمانروایی الهی، حتی به وسیله لعنت و نفرینی که فتوای آن بر روی زمین و بر نیروی کار می‌کند صادر شده، باطل نمی‌شود. و با انحراف معنی که کتاب مقدس عبری را فرا می‌گیرد، هم «حکم» فرمان» و هم «لعنت و نفرین»، همراه با فرمانروایی، در حکم به استراحت کردن در روز سبت خلاصه شده‌اند.

Quis dives salvetur?

در میان کارهای محفوظ باقی مانده نویسندگان مسیحی از دوره پیش از نیسن^(۱۳) (یعنی قبل از ۳۲۵ C.E) نوشته واحدی که به موضوع کار اختصاص یافته باشد، وجود ندارد، و حتی پس از ۳۲۵، برای آن موضوع نوشته‌های بسیار قلبی وجود دارند، بنابر این راهکار «مسئله کار» در سطح استاندارد در این رشته، یعنی آموزش‌های اجتماعی ترولتج^(۱۴)، چیزی بیش از یک مجموعه نکات موجز و کلمات قصار است. چنین نقیصه‌ای در میان منابع مربوط به تاریخ تفکر مسیحی غیر عادی نیست: اگر چه رساله تروتولیان^(۱۵) درباره تعمیم تاریخش در حدود آخر قرن دوم است، ولی نخستین راهکارهای تمام و کمال مراسم عبادی عشای ربانی تا قرن نهم ظاهر نشدند.

بدین ترتیب، بحث و مناظره‌ای در خاموشی و سکوت، در اینجا مثل هر جای دیگر، در بهترین حالت تعهدی مخاطره آمیز است، بطور بالقوه تفسیری از یک عنوان مرتبط که درباره آن می‌توان رساله‌ای از قرن سوم را یافت، البته رساله‌ای مختصر به صورت یک مرعظه یعنی آن انسان ثروتمندی که نجات یافت کیست؟ (Quis dives salvetur?)، نوشته کسلمنت

الکساندریا^(۱۶) و نیز از ادبیات قابل توجه مربوط به دوره‌های بعدی: ثروت زیاد و فقر، مولدتر خواهد بود. یک همبستگی نزدیک - البته همبستگی ضروری، همانطور که در رهبانیت مسیحی خواهیم دید - میان طرز تلقی نسبت به کار و طرز تلقی نسبت به ثروت به عنوان محصول کار (چه از کار خود فردی یا از کار فردی دیگر) وجود دارد. چنین همبستگی‌ای در کلمنت الکساندریا موجود است. او مؤلف «نخستین کار اصیل در خصوص علم و اخلاق در ادبیات مسیحی» [تحت عنوان آموزگار^(۱۷)]، بود که عیسی مسیح (ع) را به عنوان آموزگار بزرگ در همه موضوعات، ترسیم نمود. مسیح آموزگار نخست آموخت که «اغنیاء باید بطور معقول بهره‌مند باشند و از روی محبت بخشش کنند، نه از روی خست یا غرور و تظاهر» و دوم اینکه تن پروری یا سستی و تنبلی در شأن یک موجود معقول نیست، چه رسد یک مرید و شاگرد این آموزگار. بنابراین کلمنت در انتقاد از فیلسوفان کلاسیک تأکید می‌کرد که هیچ چیز «شرم آور» یا «قابل سرزنش» درباره کار بدی وجود ندارد. کلمنت در Quis dives salvetur این تفکرات را که در آموزگار مختصراً بیان کرده بود، به طور جامع‌تر و کامل‌تر تشریح و بازگوئی نمود.

موضوع رساله مدل انسان ثروتمندی که حقیقتاً می‌توانست نجات یابد. (نظری بیافکنید به تفسیرهای معمولی ماتتو^(۱۸) ۲۶-۱۹:۲۳، که به نظر می‌رسد کمال را با فقر برابر می‌گیرد) در توصیف زیر بیان شده است:

او کسی است که دارایی‌ها و طلا، و نقره و خانه‌ها، را به عنوان هدایای خداوند نگهمدارد، و از طریق آنها به خدا، که برای نجات انسانها آنها را می‌دهد، خدمت می‌کند، و می‌داند که او آنها را بیشتر به خاطر برادران در اختیار دارد تا بخاطر خودش، و برتر و بالاتر و مستغنی از تصاحب آنهاست، نه برده و اسیر چیزهایی که در اختیار دارد، و زندگی‌اش را به آنها مقید و محصور، و در آنها محدود و خلاصه نمی‌کند، بلکه همواره در حال کار و کوشش در جهت انجام کار خیر و الهی است - حتی اگر او در مواقعی از آنها محروم شود ضرورتاً و با خاطری آسوده و روحی بشاش قادر به تحمل از دست دادن آنها، درست بسرابر با فراوانی آن دارایی‌ها، می‌باشد.

نتایج و متفرعات این توصیف ناشی از درک کلمنت از کار کاملاً روشن است. این توصیف حمله‌ای است بر زهد و ریاضت‌کشی دورغین و تنگ نظرانه، که بار



دوانکاز و سرزنش کردن دارایی و غنی و ثروت، عاملین به آن را «مبتکر و خودبین، پرمدها و لافزن و متظاهر، و خودستا» ساخته است: آنها هر چیزی را که در رابطه با دارایی‌ها خوب بود دور انداختند، اما ترتیبی دادند که هر آنچه را که بد بود نگه دارند به طور همزمان، این رساله حتی در پاراگراف نهائی‌اش تماماً مجادله‌ای قوی و کاملاً غیر رومانیک است علیه تن‌پروری و سستی و تنبلی که مطمئناً وسوسه‌ای خاص برای ثروتمندان بود زیرا آنها نیازی به کارکردن نداشتند. اما می‌توانست به فقیران و ریاضت‌کشان هم سرایت کرده و آنها را آلوده نماید. از طرف دیگر، همچنین تمایزی اساسی وجود داشت؟ بین «همواره در حال کار و کوشش در جهت انجام کار خیر والهی» که ویژگی انسان ثروتمند ایده‌آلی بود که می‌توانست نجات یابد، و فقط «مشغول بودن در رابطه با خیلی چیزها» ولی «ضعیف، بی‌میل و رغبت و ناتوان از انجام دادن کارهای زندگی»

آنطور که کلمنت در بافت بنیادی یا مجموعه مطالب گوناگون^(۱۹) خود آنرا فرموله و تنظیم کرد، ایده آل عبارت بود از: «کار ترکیب شده با دانش» kai(erga gnasis)

یکی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی شناسایی رسمی مسیحیت توسط امپراطوری روم در قرن بعد افزایش سریع تعداد این divites^(۲۰) بود که کلمنت الکساندریا درباره آنها نوشته بود. خطبه‌های جان کریسوستوم^(۲۱) منبع غنی‌ای از

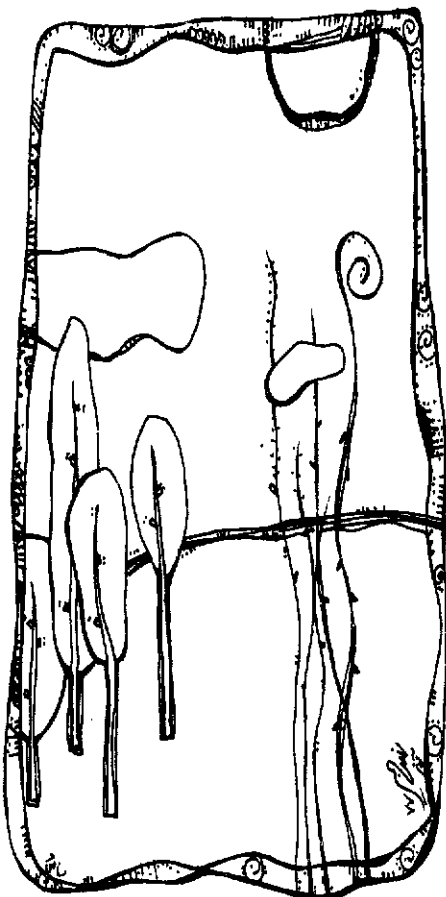
اطلاعات دربارهٔ نفوذ و تأثیری است که آنها روی حیات و آموزش کلیسا داشتند. اما آنها همچنین اسناد و مدارکی هستند از رشد رهبانیت مسیحی قرون وسطائی - از قرن چهارم به بعد در شرق و سپس در غرب به ویژه پس از بندیکت نورشیا^(۲۲) در قرن ششم.

Opus Dei

قواعد رهبانی سنت بندیکت نورشیا، که آر. دبلیو. سوثرن^(۲۳) آنرا «یکی از بیانیه‌های محوری مسیحی» و «آخرین اثر تاریخی بزرگ در نبوغ قانونگذاری روم قدیم» نامیده است، خم در ادامه، منشور یک نهاد و یک شیوهٔ زندگی گردید که مبتنی بر تفکیکی رادیکال میان کار و ثروت، با توجه به اولی به عنوان «حکم و فرمان» و دومی به عنوان «لعنت و نفرین»، بود P.14/.

کار جزئی‌الی و بنیادی زندگی رهبانی بود. تا زمانی که Oous Dei واژه ای فنی برای کار نیایشگر، پرستش مربوط به نماز عشای ربانی^(۲۴)، و ژرف اندیشی^(۲۵) گردید، رهبران رهبانی و مصلحان رهبانی مکرراً اصرار می‌ورزیدند که این opus نباید مستثنا از سایر opera^(۲۶) ادامه پیدا کند. از میان حکایات بسیاری که دربارهٔ این امر در کتب تاریخی و وقایع نامه‌های رهبانی قرون وسطی و زندگی سنت‌ها یا قدیسان وجود دارد، یک مورد زیر کفایت می‌کند: برخی از راهبان، با این وجود، ظاهراً که ژرف اندیشی تنها چیزی بود که ارزش توجه داشت و راهب کل

سیلوان^(۲۷) در سینائی^(۲۸) را ملاقات کرد و گفت، «چرا شما برای غذا که از بین می‌رود تلاش می‌کنید؟» راهب کل چیزی نگفت ولی راهب را به سلولش برد. در وقت صرف غذا راهبان به محل غذا خوریشان رفتند اما هیچ کس مزاحم ملاقات کننده نشد. نهایتاً درد و حملهٔ سخت گرسنگی غالب شد. و او برای دیدن اینکه چه خبر هست از سلولش بیرون آمد. او برای دریافت اینکه چرا برای نهار دعوت نشده بود، پرسید، «چرا برای من غذا نفرستادید؟» راهب کل پاسخ داد، «مردان روحانی نیازی به غذا ندارند، ما افراد مادی فقیر هستیم که مجبوریم غذا بخوریم. شما قسمت بهتر را انتخاب کرده‌اید. در تمام طول روز شما تفکرات و



تأملات داری و کتابهای مقدس را می‌خوانی. شما برتر و بالاتر از امور خاکی و زمینی نظیر غذا هستید». راهب عذر خواهی کرد. سپس راهب کل سیلوان ادامه داد، «لذا شما درک می‌کنید که مریم مقدس بدون Martha کاری نمی‌تواند انجام بدهد [رجوع شود به: Luke 10:38-42]. اگر هیچ Martha وجود نداشت، مریم مقدس قادر به تفکر و ژرف اندیشی نمی‌بود و در نتیجه او از طرف مسیحای نجات بخش (۲۹) ستوده نمی‌شد.»

با این وجود، علاوه بر این ملاحظات عملی، کار یدی هم جایگاه مهمی در قواعد ریاضت راهب و اجتماع رهبانی داشت.

تقریر کلاسیک جایگاه کار در قواعد ریاضت رهبانی رساله De opere monachorum از آگوستین (۳۰) نوشته شده

در حدود ۴۰۱ م، بود این مقاله در واقع تفسیر بسط یافته‌ای بر اصل بدیهی (۳۱) عهد جدید است: «کسی که کار نکند نمی‌خورد». ظاهراً افرادی بودند که

می‌خواستند به پیامد آشکار این کلمات، به نفع کار معنوی، جنبه تمثیلی بدهند. آنها «تنبلی» را با «نشانه‌پارسایی» اشتباه گرفته

بودند، یا بنا به تفسیر طعنه انگیز آگوستین آنها نیکه نمی‌توانستند این گفتار را مطابق با عقایدی از پیش تصور شده خودشان تفسیر

کنند، مجبور شدند «پاسخ دهند که آن مبهم و نا معلوم است، زیرا جرأت نمی‌کنند آنرا غلط و انحرافی بخوانند.» با این حال «از

خود متن این درس « روشن بود که رسول کار یدی را داشت سفارش می‌کرد و از نمونه

و مثال خودشان سند و مدرک برای اصالت آن استفاده می‌نمود. سنت پل نه یک دزد بود و نه یک راهزن و نه یک ارابه‌ران و نه

یک شکارچی و نه یک بازیگر تئاتر و سینما، بلکه او «معصومانه و صادقانه روی چیزهایی که برای استفاده بشر مناسب

هستند کار می‌کرد، همانطور که P15 کارهای نجاران بنایان، کفشدوزها، دهقانان،

وقس علیهذا، مناسب هستند، او با این مثال و با نصیحت و تشویقش خودش را به طور کلی به مسیحیان عامی و غیر روحانی، بلکه

به اقوی دلیل به کسانی که «همه پیوندهای امید دنیوی (۳۲) را قطع کرده بودند»، آنها با ورود به یک صومعه یا دیر، و آنها را

مخاطب خود قرار داده بود. برخی از آنها از طبقات کارگر برخاسته بودند، بقیه سوابق اشرافی یا آریستوکراتیک داشته و از

طبقات اعیان بودند، اما «همه مسیحیان» صرفنظر از طبقه یک ملت و کشور را تشکیل داده و مشترک‌المنافع (۳۳) هستند،

و همه باید در کارهای سازنده به خدمت گرفته شوند. آگوستین نتیجه گرفت که واقعات مسخر آمیز خواهد بود اگر در شیوه

زندگی رهبانی، «جائی که سناتورها افراد کاری و سختکوش می‌شوند، در آنجا کارگران عادی و معمولی افراد بی‌کار و

تن‌پروری بشوند». از منابعی همچون رساله آگوستین و از سنت رهبانیت مسیحی شرقی، این ضرورت کار یدی یک شرط

اساسی و بنیادی قانون بندیکت می‌شود که به «شرارت تصاحب دارایی» همانند شرارت «تنبلی و کاهلی» حمله می‌کزد. این

قانون در آنتی تزی نسبت به هر دو حالت، یک شیوه زندگی متعادل را تجویز می‌نمود:

بیکاری و تنبلی دشمن روح و روان است. بنابراین برادران باید بخش معینی از وقتشان را صرف قرائت متون مقدسی کنند،

و بخش معین دیگری از آن به کار یدی بپردازند...

اگر تنها از طریق کار دستهایشان زندگی کنند همانطور که نیاکان ما و حواریون قبل از آنها انجام داده‌اند، آنها حقیقتاً راهب هستند...

1. Milton
۲. منظور قبل از هبوط است.
۳. Sabbath Day روز شنبه برای یهودیان و روز یکشنبه برای مسیحیان.
۴. Pentateuch کتاب‌های پنجگانه (در عهد عتیق)
5. Auerbach
6. در اشاره به سفرهای یسر Odysseus Scar ماجرای اودیسه در قطعه منظوم رزمی منسوب به هومر شاعر یونانی
7. Binding of Isaac حضرت اسحاق فرزند ابراهیم
۸. بنا به روایت هفتاد تن کتاب مقدس هفتادگانی را در قرن سوم میلادی از عبری به یونانی ترجمه کردند.
9. Josephus
10. Morrison
11. Genesis
12. Psalm کتاب حضرت داود
۱۳. به عبارت دیگر عبد.
۱۴. وابسته به اعتقادنامه نیشن (Nicene)
15. Troeltsch
16. Tertullian
17. Clement of Alexandria جرم بخش
18. The Turor یا معلم خصوصی

بقیه در صفحه ۴۳

۲۲. احتمالاً منظور همان افراد ثروتمند با ویژگیهای
مورد نظر است.

23. John Chrysostom

۲۴. که به پیروی از او فرقه سنت بندیک به وجود
آمد.

۲۵. قطعه موسیقی.

26. liturgical worship

27. contemplation

۲۸. جمع opus ابرا یا موسیقی همراه با آواز.

29. Abbot Sylvan

30. Sinai احتمالاً نام شهر یا منطقه است

32. The Saviour

33. Augustine

۱۴. گروه اساتید مدیریت (۱۳۷۵)، شیوه‌های

علمی ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی،

چاپ اول، تهران، مرکز آموزش مدیریت

دولتی

۱۵. میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۶)، مدیریت منابع

انسانی و روابط کار (نگرش راهبردی -

تمرین و مقالات)، چاپ اول، تهران:

انتشارات شروین

بقیه از صفحه ۵۹

19. Matthen

20. Stromata

21. Miscellanies

معمارزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات

مروارید

۱۱. ممی‌زاده، جعفر، (۱۳۷۵)، توسعه سازمان

(دانش بهسازی و نوسازی سازمان)، چاپ

اول، تهران: انتشارات روایت

12. John Belcher, productivity plus.

Houston Texas: Gulf publishing

company, 1987.

۱۳. ممی‌زاده، جعفر، (۱۳۷۵)، توسعه سازمان

(دانش بهسازی و نوسازی سازمان)، چاپ

اول، تهران: انتشارات روایت

بسمه تعالی

مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، با برخورداری از برجسته‌ترین نیروهای علمی-کاربردی و
با نظارت عالی گروه‌های علمی حقوق کار، مدیریت کار، اقتصاد کار، روانشناسی کار، و امور
اجتماعی کار و با همکاری مؤسسات معتبر علمی در سراسر کشور، آماده طراحی، اجرا و
نظارت کیفی بر کلیه دوره‌های آموزشی ضمن کار کوتاه مدت، همایش‌های علمی -
تخصصی، مطالعات و تحقیقات، اطلاع رسانی، مشاوره می‌باشد.

برای اطلاعات بیشتر و ارائه پیشنهاد لطفاً با تلفن‌های ۲۰۴۹۵۳۵ یا ۲۰۴۳۷۰۷

تماس حاصل فرمائید.

مؤسسه کار و تأمین اجتماعی